Defensive Researches and Management

The Israeli Army's Strategic Planning Model Based on Multi-Year Plans Case Study; The Hoshen Plan (2026–2030)

Mohammed Zarei [1] *

1. Corresponding Author: PhD graduate in National Security (specialization: National Security Studies), Faculty of National Security, Supreme National Defense University, Tehran, Iran. Email: mzh.researcher@gmail.com

Volume info

Vol. 25
Series: 112
Spring 2026
P.P: 155-186

Article Type

Research Paper

Article History

Received:
2026-09-04
Revised:
2026-10-10
Accepted:
2026-10-25
Published:
2026-10-25

ISSN – E-ISSN

ISSN: 2008-6121
E-ISSN: 2645-5218

Abstract

Since the 1990s, the Israeli Army has organized its strategic planning based on multi-year plans. These plans are designed to align force development, budget, training, technology, and operational readiness. The Hoshen Plan, which was introduced in January 2026 by the Chief of Staff of the Israeli Army, Eyal Zamir, is the regime's latest multi-year plan for the period 2026–2030. Drawing on the lessons learned from the October 7, 2023 incident and subsequent wars, the plan focuses on rebuilding combat capability, increasing readiness for multi-front warfare, and developing new technologies. This article is descriptive-analytical and, based on the theory of "military transformation" and a qualitative approach, using the method of data analysis and documentary and library resources, strategic planning in the Israeli army is explained based on multi-year plans. Since the research strategy is "case study", the Hoshen Plan has been selected as the case study. Therefore, by examining the Hoshen Plan, a strategic planning model in the Israeli army is drawn. The main hypothesis of the article is that "as the intensity of changes in the security environment and operational gaps increase, the Israeli army moves towards organizational, technological and doctrinal transformation through the mechanism of multi-year planning, and the Hoshen Plan is an example of this mechanism after the October 7 crisis."

Keywords: Strategic planning, Israeli army, multi-year plans, Hoshen Plan.

Cite this Article: Zarei, M (2026). The Israeli Army's Strategic Planning Model Based on Multi-Year Plans Case Study; The Hoshen Plan (2026–2030). Scientific Journal of Defensive Researches and Management, 25(112), 155-186.
https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.20086121.1405.25.112.6.3

© Author(s) retain the copyright and full publishing rights

Publisher: Imam Hossein University.

الگوی برنامه‌ریزی راهبردی در ارتش اسرائیل بر پایه طرح‌های چندساله مطالعه موردی؛ طرح حوشِن (۲۰۲۶–۲۰۳۰)

محمد زارعی *[۱]

۱. نویسنده مسئول: دانش آموخته دکتری امنیت ملی – گرایش مطالعات امنیت ملی، دانشکده امنیت ملی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران. Email: mzh.researcher@gmail.com

چکیده

ارتش اسرائیل از دهه ۱۹۹۰، برنامه‌ریزی راهبردی خود را بر مبنای طرح‌های چندساله سامان داده است. این طرح‌ها با هدف همسو کردن توسعه نیرو، بودجه، آموزش، فناوری و آمادگی عملیاتی تدوین می‌شوند. طرح «حوشن» که در ژانویه ۲۰۲۶ توسط "ایال زامیر" رئیس ستاد کل ارتش اسراییل معرفی شد، جدیدترین برنامه چندساله ارتش این رژیم برای دوره ۲۰۲۶ تا ۲۰۳۰ است. این طرح با اتکا به درس آموخته‌های واقعه ۷ اکتبر ۲۰۲۳ و جنگ‌های پس از آن، بر بازسازی توان رزمی، افزایش آمادگی برای نبرد چندجبهه‌ای و توسعه فناوری‌های نوین تمرکز دارد. این مقاله، توصیفی – تحلیلی است و بر اساس نظریه «تحول نظامی» و رویکرد کیفی، با استفاده از روش تجزیه و تحلیل داده‌ها و منابع اسنادی و کتابخانه ای، برنامه ریزی راهبردی در ارتش اسراییل مبتنی بر طرح های چند ساله تبیین می‌شود. از آنجایی که راهبرد پژوهش، «مطالعه موردی» است، طرح حوشن به عنوان مورد مطالعه انتخاب شده است. لذا با بررسی طرح حوشن، الگوی برنامه ریزی راهبردی در ارتش اسراییل ترسیم می‌گردد. فرضیه اصلی مقاله این است که «هرچه شدت تغییرات محیط امنیتی و شکاف‌های عملیاتی افزایش یابد، ارتش اسرائیل از طریق سازوکار برنامه‌ریزی چندساله، به سمت تحول سازمانی، فناورانه و دکترینال حرکت می‌کند و طرح حوشن نمونه‌ای از این سازوکار پس از بحران ۷ اکتبر است.»

کلیدواژه‌ها: برنامه‌ریزی راهبردی، ارتش اسراییل، طرح‌های چند ساله، طرح حوشن.

استناد: زارعی، محمد. (۱۴۰۵). الگوی برنامه‌ریزی راهبردی در ارتش اسرائیل بر پایه طرح‌های چندساله مطالعه موردی؛ طرح حوشِن (۲۰۲۶–۲۰۳۰). فصلنامه مدیریت و پژوهش های دفاعی، ۲۵(۱۱۲)، ۱۵۵-۱۸۶.
https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.20086121.1405.25.112.6.3

© نویسنده(گان) حق نشر و حقوق کامل انتشار را برای خود محفوظ می‌دارند.

ناشر: دانشگاه جام امام حسین(ع).

مقدمه

برنامه‌ریزی راهبردی به عنوان یکی از ارکان اصلی مدیریت دفاعی، نقش تعیین‌کننده‌ای در افزایش کارآمدی سازمانهای نظامی، توسعه قابلیت‌های رزمی و انطباق با تحولات محیط امنیتی ایفا می‌کند. در محیط پیچیده و پویای قرن بیست‌ویکم، که با تغییر ماهیت تهدیدها، گسترش فناوری‌های نوین نظامی، رقابت قدرت‌های منطقه‌ای، جنگ‌های ترکیبی و نبرد شناختی همراه است، ارتش‌های دنیا ناگزیرند با اتخاذ رویکردهای آینده‌نگر و تدوین برنامه‌های راهبردی میان مدت و بلند مدت، آمادگی خود را برای مواجهه با چالش‌های امنیتی متنوع، حفظ و تقویت کنند.

برنامه‌ریزی راهبردی در ارتش اسرائیل نیز بر پایه طرحهای چندساله[1] انجام می‌شود. هر طرح چندساله، اهداف کلان امنیتی را به برنامه‌های اجرایی در حوزه‌های ساختاری، نیروی انسانی، تسلیحات، آموزش، اطلاعات و بودجه تبدیل می‌کند. لذا با روی کار آمدن هر رئیس جدید در ستاد کل ارتش اسراییل، طرحی جدید برای ارتقاء و عملیاتی کردن قابلیت‌های رزمی، تحت فرماندهی او در تمامی تخصص‌ها و نیروها اعم از زمینی، هوایی و دریایی تدوین می‌شود.

پس از استعفای "هرتزی هالوی" رییس سابق ستادکل ارتش اسراییل و انتصاب "ایال زامیر" به عنوان بیست و چهارمین رئیس ستاد در مارس ۲۰۲۵، تهیه یک طرح چندساله جدید در دستور کار قرار گرفت. سرانجام در ۱۲ ژانویه ۲۰۲۶، ارتش اسرائیل اولین خبر رسمی طرح جدید پنج‌ساله ارتش اسراییل موسوم به «حوشن[2]» را اعلام کرد.

طرح حوشن، برای سالهای ۲۰۲۶-۲۰۳۰ و بر اساس تحقیقات ۷ اکتبر و کل جنگ‌های پس از این واقعه، با هدف «چشم‌انداز جنگ بعدی» تهیه و تدوین شده است. این طرح شامل مجموعه‌ای از نتیجه‌گیری‌ها و درس‌هایی است که از ارزیابی ارتش اسراییل از نبردهایش در هفت جبهه‌ای که ادعا می‌کند در آن جنگیده و همچنان در حال جنگ است، گرفته شده است: نوار غزه، لبنان، کرانه باختری، سوریه، ایران، یمن و عراق. در همین راستا، ایال زامیر رییس ستادکل ارتش اسراییل اعلام کرد: «طرح حوشن بر اساس درس‌های آموخته شده از ۷ اکتبر و جنگهای اخیر، زمینه را برای آینده ارتش در سال‌های پیش رو فراهم می‌کند.»

1 Multi-Year Plans
2 Hoshen

مطالعه و بررسی طرح حوشن از منظر برنامه‌ریزی راهبردی، امکان شناخت منطق تصمیم‌گیری نظامی، اولویت‌های توسعه قابلیت‌های نظامی، سازو کارهای تخصیص منابع و رویکرد ارتش اسراییل در مواجهه با محیط امنیتی آینده را فراهم می‌سازد. بر این اساس، هدف اصلی مقاله، تحلیل الگوی برنامه‌ریزی راهبردی ارتش اسراییل بر پایه طرح حوشن (۲۰۲۶-۲۰۳۰) است.

این مقاله یک پژوهش کیفی با راهبردِ مطالعه موردی است که بر تحلیل اسناد و تحلیل محتوای کیفی تکیه دارد و به دنبال پاسخ به این سؤال اصلی است که «الگوی برنامه‌ریزی راهبردی ارتش اسرائیل در طرح چندساله حوشن (۲۰۲۶-۲۰۳۰) چگونه طراحی شده است؟» فرض بر این است که «هرچه شدت تغییرات محیط امنیتی و شکاف‌های عملیاتی افزایش یابد، ارتش اسرائیل از طریق سازوکار برنامه‌ریزی چندساله، به سمت تحول سازمانی، فناورانه و دکترینال حرکت می‌کند و طرح حوشن نمونه‌ای از این سازوکار پس از بحران ۷ اکتبر است.» در این راستا، سه سؤال فرعی نیز برای مساعدت به پاسخ سؤال اصلی مطرح می‌شود:

۱- مبانی برنامه‌ریزی راهبردی در ارتش اسرائیل چیست؟

۲- مؤلفه‌ها و ویژگی‌های اصلی طرح حوشن کدام‌اند؟

۳- چالش‌ها و موانع پیش روی طرح حوشن چیست؟

پیشینه و سابقه تحقیق

طرح حوشن به دلیل جدید بودن، هنوز ادبیات پژوهشی گسترده‌ای ندارد. از سوی دیگر، پیرامون برنامه‌ریزی راهبردی در ارتش اسراییل نیز مقالات علمی خاصی به زبان فارسی وجود ندارد و مقالات موجود، به بررسی راهبردهای امنیت ملی اسراییل، دکترین نظامی و تحولات ارتش این رژیم می‌پردازد. صرفاً سوابقی از طرحهای چند ساله ارتش این رژیم به زبان فارسی موجود است که تعداد مقالات آن کم است. البته دو کتاب در مورد طرحهای چند ساله ارتش اسراییل به چاپ رسیده است که می تواند تا اندازه ای، در راستای عنوان مقاله ادراک ایجاد کند. اولین کتاب با عنوان «طرح تنوفا (طرح ارتش اسراییل برای سال های ۲۰۲۰-۲۰۲۵)« نوشته محمد زارعی، چاپِ دانشگاه عالی دفاع ملی در سال ۱۴۰۱ می باشد. در این کتاب، طرح های چند ساله ارتش اسراییل، به مثابه نقشه راهی برای این ارتش ترسیم شده است که به موجب آن، نیروهایش

را برای مقابله با چالش ها و تهدیدات آینده آماده می کند. طرح تنوفا، طرح ارتش اسراییل برای سالهای ۲۰۲۰ – ۲۰۲۵ است که دارای موارد متعدد و متنوعی است که مهمترین آن، ایجاد شعبه ای در ستادکل ارتش اسراییل پیرامون ایران موسوم به شعبه «راهبرد و حلقه سوم» است. این کتاب به این نتیجه دست یافته است که اجرای طرح تنوفا، با چالش ها و موانع متعددی اعم از موانع انسانی، ساختاری/سازمانی و مالی (مادی) می باشد. کتاب دوم با عنوان «بررسی اسناد راهبردی ارتقای ارتش اسراییل از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸» نوشته محمد حسین صفایی و ابراهیم کیمیایی دوین، چاپ پژوهشکده مطالعات و تحقیقات ابرار معاصر تهران در خرداد ماه ۱۴۰۴ می باشد. این کتاب چالش های پیش روی ارتش اسراییل را در مواجهه با محور مقاومت، رقابت های منطقه ای و دگرگونی های اجتماعی داخلی ترسیم می کند. این کتاب استدلال می کند که علی رغم بروزرسانی های مداوم راهبردی، ارتش اسراییل با تناقض ذاتی بین آرمان های تهاجمی، محدودیت های منابع و پیچیدگی روزافزون محیط امنیتی روبروست و شکست عملیاتی اکتبر ۲۰۲۳، نقطه عطفی در بازنگری بنیادین این راهبردها محسوب می شود.

مقالات:

جدول ۱. مقالات بررسی شده در راستای عنوان مقاله پیش‌رو

ردیف	مشخصات مقالات
۱	– عنوان مقاله: برنامه‌های جدید ارتش اسراییل – مشخصات مقاله: جهانگیر کرمی – مجله سیاست دفاعی – شماره ۲۸ – پاییز ۱۳۷۸ – سؤال/دغدغه اصلی مقاله: برنامه ریزی دفاعی و ارتباط آن با محیط امنیتی و ارتش اسراییل – روش اجرای مقاله: تحلیلی – نتایج مقاله: اوضاع دگرگون شونده بین‌المللی، منطقه‌ای و داخلی، اسراییل را با محیط امنیتی و استراتژیک جدید مواجه ساخته، و ارتش آن را با مسائل و اولویتهای دیگری رویارو قرار داده و در نتیجه، مأموریتهای آن را گسترش داده است. برای اقدام در چنین فضای متحولی است که دگرگونی در ساختار سازمانی و افزایش قابلیتهای دسترسی به مناطق دوردست تر، به موضوع مورد توجه سران تل‌آویو تبدیل می‌شود. برنامه های نظامی سه گانه (۲۰۰۰، ۲۰۰۳ و ۲۰۱۰) تلاش عینی برای جامه عمل پوشانیدن به مأموریت‌های ارتش در آینده نزدیک خواهند بود.
	– عنوان مقاله: تنوفا و دکترین نظامی رژیم صهیونیستی

ردیف	مشخصات مقالات
۲	– مشخصات مقاله: محمد حسین صفایی، محسن رستمی و علیرضا سعادتمندی – فصلنامه علمی مطالعات مدیریت راهبردی دفاع ملی – سال هفتم- شماره ۲۷ – پاییز ۱۴۰۲ – سؤال/دغدغه اصلی مقاله: میزان کارایی تنوفا در تأمین اهداف راهبردی اسراییل چیست؟ – روش اجرای مقاله: توصیفی – تحلیلی – نتایج مقاله: تنوفا یک آرایش دفاعی اما تهاجم محور است که تکیه زیادی بر عملیات روانی دارد. اگرچه مهمترین دستاورد این طرح تاکنون تلاش هر چه بیشتر برای تضعیف توانایی‌های تهاجمی دشمنان بوده، اما معضل تکمیل توانایی‌های ارتش در تدارک جنگ بعدی همچنان مرتفع نشده است. در واقع با توجه به تشتت سیاسی در ساختار رژیم‌صهیونیستی و عدم تأمین مالی مناسب برای اجرای کامل این طرح، تنوفا بیش از آنکه بر توانمندی ارتش رژیم استوار شود، بر اقدامات هدفمند روانی اصرار دارد تا در راستای بازدارندگی رژیم‌صهیونیستی در دکترین نظامی‌اش ظرفیت‌سازی کند.
۳	– عنوان مقاله: فرهنگ راهبردی و راهبرد نظامی رژیم صهیونیستی – مشخصات مقاله: نادر پورآخوندی- فصلنامه سیاست خارجی- سال سی و سوم – شماره ۲- تابستان ۱۳۹۸ – سؤال/دغدغه اصلی مقاله: اتخاذ راهبرد نظامی مشخص از سوی اسراییل بر اساس فرهنگ راهبردی این رژیم – روش اجرای مقاله: توصیفی – تبیینی – نتایج مقاله: دلیل اتخاذ راهبرد نظامی مشخص از سوی رژیم صهیونیستی را باید در عوامل فرهنگی خصوصاً فرهنگ راهبردی این رژیم جستجو نمود. لذا فرهنگ راهبردی سبب شده است که خصومت بین رژیم صهیونیستی و همسایگانش به یک امر تقریباً دائمی تبدیل گردد.

نکات اشتراک و افتراق با مقاله:

با عنایت به پیشینه‌های مذکور، پیشینه های بررسی شده دارای برخی وجوه اشتراک همچون بررسی برخی طرح‌های چند ساله ارتش اسراییل است. اما اهداف، سؤالات و نتیجه گیری آنها دارای تفاوت های بسیار واضحی با موضوع مقاله پیش‌رو هستند.

نوآوری این مقاله نسبت به پیشینه‌ها:

طرح حوشن به عنوان جدیدترین طرح چند ساله ارتش اسراییل، نوآوری ویژه این تحقیق است. در این تحقیق برای اولین بار، طرح حوشن مورد تحقیق و بررسی قرار می گیرد. از سوی

دیگر، برنامه‌ریزی راهبردی ارتش اسراییل بر مبنای طرح های چند ساله مطرح می شود که در مقالات دیگر به این شکل وجود ندارد؛ و در نهایت الگوی جدیدی در این راستا ترسیم می گردد.

مبانی نظری

«تحول نظامی[1]» یکی از رویکردهای مهم در مطالعات امنیتی است که توضیح می‌دهد چگونه ارتش‌ها در پاسخ به تغییرات محیط امنیتی، فناوری‌های نوین، شیوه‌های جدید جنگ و تغییرات سازمانی، ساختار، دکترین، توانمندی‌ها و روش‌های عملیات خود را دگرگون می کنند. این نظریه می‌پرسد: «چگونه یک ارتش از شکل سنتی جنگیدن به یک نیروی نظامی جدید، متناسب با جنگ‌های آینده تبدیل می‌شود؟[2]»(کرپینویچ، ۱۹۹۴: ۳۲)

این نظریه بیشتر در دهه ۱۹۹۰ و اوایل دهه ۲۰۰۰، به‌ویژه در آمریکا توسعه یافت. یکی از چهره‌های مهم این حوزه، "آندره کرپینویچ[3]" افسر سابق ارتش آمریکا و نویسنده کتابهای متعدد در حوزه نظامی است. پس از آن، "دونالد رامسفلد[4]" سیاستمدار جمهوری خواه و وزیر دفاع آمریکا در دوره ریاست جمهوری جورج بوش پسر در سالهای ۲۰۰۱ -۲۰۰۶، مفهوم «تحول نظامی» را در سیاست دفاعی آمریکا به‌طور گسترده مطرح کرد.

پس از پایان جنگ سرد، برخی نظریه‌پردازان معتقد بودند که انقلاب فناوری اطلاعات، باعث تغییر ماهیت جنگ خواهد شد. اما کرِپینویچ، مفهوم تحول نظامی را از سطح فناوری فراتر می‌برد و آن را به یک فرآیند سازمانی تبدیل می کند. از نظر وی، تحول نظامی زمانی رخ می‌دهد که ترکیبی از فناوری جدید، تغییرات سازمانی و تحول در شیوه جنگیدن، باعث افزایش چشمگیر اثربخشی نظامی شود[5].(کرپینویچ، ۱۹۹۷: مرکز ارزیابی‌های راهبردی و بودجه‌ای) بر همین اساس، باید توجه داشت که تحول نظامی فراتر از «نوسازی[6]» است. نوسازی معمولاً به معنای خرید تجهیزات جدید است؛ اما تحول نظامی شامل تغییر عمیق در چهار حوزه است:(همان)

1 Military Transformation Theory
2 Krepinevich, 1994: p.32
3 Andrew F. Krepinevich
4 Donald Rumsfeld
5 Krepinevich, 1997: Center for Strategic and Budgetary Assessments
6 Modernization

۱- فناوری: ورود هوش‌مصنوعی، سامانه‌های بدون‌سرنشین، جنگ سایبری، ماهواره‌ها و شبکه‌های اطلاعاتی

۲- دکترین نظامی: تغییر در شیوه استفاده از نیروها و تعریف مفهوم پیروزی در جنگ

۳- ساختار سازمانی: تغییر در سازمان ارتش، فرماندهی، آموزش و تقسیم نیروها

۴- فرهنگ و تفکر نظامی: تغییر در نحوه تصمیم‌گیری، ابتکار عمل و آمادگی برای تهدیدات جدید.

تفاوت تحول نظامی با نوسازی و اصلاح، بر اساس تفاوت ویژگی‌هاست. جدول ذیل، گویای این تفاوت است.

جدول ۲. تفاوت تحول نظامی با نوسازی و تحول نظامی

مفهوم	ویژگی	نمونه موردی/ مثال (نیروی هوایی)
اصلاح نظامی	بهبود عملکرد موجود	بهبود آموزش خلبانان
نوسازی نظامی	جایگزینی تجهیزات قدیمی با جدید	خرید یک جنگنده جدید
تحول نظامی	تغییر بنیادی در شیوه جنگیدن	ایجاد شبکه جنگ هوشمند با پهپاد، ماهواره، هوش مصنوعی و فرماندهی دیجیتال

مدل تحول نظامی، بر پایه عناصر اصلی آن می‌باشد که بر اساس یک مدل ساده است:

تغییر محیط امنیتی

↓

شناخت تهدیدهای جدید

↓

تغییر دکترین و راهبرد

↓

تغییر سازمان و ساختار نیرو

↓

ادغام فناوری‌های جدید

↓

ایجاد توانمندی نظامی جدید

کاربرد نظریه تحول نظامی در مطالعه ارتش اسرائیل و موضوع مقاله حاضر، به گونه‌ای است که می‌تواند توضیح دهد چرا ارتش اسرائیل پس از بحران‌های امنیتی، به سمت تغییرات ساختاری حرکت می‌کند. در این چارچوب، طرح‌های چندساله ارتش اسرائیل را می‌توان ابزار نهادی اجرای تحول نظامی دانست؛ یعنی برنامه‌ای که تهدیدهای جدید را به تغییرات واقعی در ساختار و توان

رزمی تبدیل می‌کند. بنابراین، نظریه تحول نظامی نشان می‌دهد که طرح حوشن صرفاً یک برنامه بودجه‌ای یا سازمانی نیست، بلکه بخشی از تلاش ارتش اسرائیل برای بازتعریف شیوه جنگیدن در دهه آینده است.

چارچوب مفهومی

مفهوم «برنامه‌ریزی راهبردی»:

«برنامه‌ریزی راهبردی[1]» یکی از مهم‌ترین فرآیندهای مدیریتی می باشد که نظام‌مند، آینده‌نگر و مستمر است و طی آن سازمان با تحلیل محیط داخلی و خارجی، مأموریت، چشم‌انداز، اهداف کلان و راهبردهای خود را تعیین کرده و منابع و اقدامات لازم برای دستیابی به آنها را مشخص می‌کند[2].(دیوید، ۲۰۲۰: ۳۳-۳۴) این نوع برنامه‌ریزی یکی از مهم‌ترین کارکردهای مدیریت است که به سازمان‌ها کمک می‌کند تا با تحلیل محیط داخلی و خارجی، جهت‌گیری بلندمدت خود را تعیین کرده و منابع را به‌گونه‌ای تخصیص دهند که دستیابی به اهداف کلان امکان‌پذیر شود. این فرآیند، صرفاً تدوین یک برنامه بلندمدت نیست، بلکه نظامی پویا برای تصمیم‌گیری راهبردی، انطباق با تغییرات محیطی و ایجاد مزیت رقابتی پایدار می‌باشد[3].(بریسون، ۲۰۱۸: ۲۳)

ویژگی‌ها و مراحل برنامه‌ریزی راهبردی به شرح جدول ذیل است:

جدول ۳. ویژگی‌ها و مراحل برنامه‌ریزی راهبردی

برنامه ریزی راهبردی	
ویژگی ها	مراحل
۱- آینده‌نگر و بلندمدت	۱- تعیین مأموریت
۲- مبتنی بر مأموریت و چشم‌انداز سازمان	۲- تدوین چشم‌انداز
۳- تحلیل محیط داخلی و خارجی	۳- تحلیل محیط داخلی و خارجی (مانند SWOT)
۴- تأکید بر تخصیص بهینه منابع	۴- تعیین اهداف راهبردی
۵- هدایت تصمیم‌های کلان و راهبردی	۵- تدوین راهبردها
۶- دارای چرخه بازنگری و ارزیابی مستمر	۶- اجرای راهبردها
	۷- ارزیابی و کنترل راهبردها

1 Strategic Planning
2 David, 2020: 33-34
3 Bryson, 2018: 23

برنامه‌ریزی راهبردی در سازمان‌های نظامی:

در سازمان‌های نظامی، برنامه‌ریزی راهبردی فرآیندی برای آماده‌سازی نیروها، تجهیزات، ساختار فرماندهی و منابع به منظور مقابله با تهدیدهای آینده و تحقق اهداف امنیت ملی است. در سازمان‌های نظامی، برنامه‌ریزی راهبردی ابزاری برای تضمین امنیت ملی، حفظ آمادگی رزمی و توسعه قابلیت‌های دفاعی در بلندمدت است. برخلاف بسیاری از سازمان‌های غیرنظامی که عمدتاً به دنبال افزایش سود یا سهم بازار هستند، سازمان‌های نظامی برنامه‌ریزی راهبردی را با هدف مقابله با تهدیدهای امنیتی، ایجاد بازدارندگی و حفظ منافع ملی انجام می‌دهند[1].(دیوید، ۲۰۲۰: ۴۶)

اهداف و ویژگی‌های برنامه‌ریزی راهبردی نظامی به شرح جدول ذیل است:

جدول ۴. اهداف و ویژگی های برنامه ریزی راهبردی نظامی

برنامه‌ریزی راهبردی نظامی	
اهداف	ویژگی‌ها
۱- حفظ امنیت ملی ۲- ایجاد بازدارندگی ۳- افزایش آمادگی رزمی ۴- توسعه توان دفاعی ۵- مدیریت بحران و جنگ ۶- توسعه فناوری‌های دفاعی ۷- هماهنگی میان نیروهای زمینی، دریایی، هوایی، فضایی و سایبری ۸- افزایش انعطاف پذیری در برابر تهدیدهای نوظهور	۱- مبتنی بر اطلاعات و ارزیابی تهدیدها ۲- دارای افق زمانی بلندمدت (۱۰ تا ۳۰ سال) ۳- سناریومحور ۴- انعطاف‌پذیر ۵- مبتنی بر مدیریت ریسک ۶- هماهنگ با سیاست‌های کلان امنیت ملی

مبانی برنامه‌ریزی راهبردی در ارتش اسرائیل:

مهم‌ترین مبانی و ویژگی‌های نظام برنامه‌ریزی راهبردی ارتش اسرائیل عبارتند از:

- برنامه‌ریزی پنج‌ساله همراه با بازنگری سالانه
- ارتباط مستقیم میان اهداف سیاسی، راهبرد نظامی و تخصیص منابع
- انعطاف‌پذیری در برابر تغییرات محیط امنیتی

1 David, 2020: 46

- تأکید بر فناوری، نوآوری و برتری اطلاعاتی
- آمادگی هم‌زمان برای تهدیدهای متعارف، نامتقارن و چندجبهه‌ای.

از بین موارد مذکور، برنامه ریزی راهبردی در ارتش اسراییل، مبتنی بر طرح‌های چند ساله یا به عبارتی، طرح‌های پنج ساله است که در ادامه، به صورت مبسوط به آن پرداخته خواهد شد.

برنامه ریزی راهبردی در ارتش اسراییل بر پایه طرح های چند ساله:

«طرح چند ساله» نوعی برنامه کاری برای تقویت نیرو در ارتش اسراییل است که دوره اجرای آن چند سال طول می‌کشد. برنامه‌های کاری سالانه از برنامه‌های چند ساله استخراج می‌شوند. (گزارش سالانه A۵۷ برای سال ۲۰۰۶: ۲۹-۳۰)

تطور ساختاری در تهیه برنامه‌های چند ساله:

برنامه‌های چند ساله در ابتدا توسط اداره برنامه‌ریزی ستاد کل ارتش اسراییل تهیه می‌شدند و پس از ادغام آن با اداره برنامه‌ریزی و سازماندهی در سال ۱۹۶۶، تهیه و تدوین برنامه‌های چند ساله به آن منتقل شد. در سال ۱۹۶۹، یک ستاد برنامه‌ریزی امنیت ملی در ستاد کل به ریاست سرتیپ "آبراهام تامیر[1]" که به عنوان معاون رئیس ستاد کل در امور برنامه‌ریزی منصوب شد، تأسیس شد. این ستاد، به امورات دهه ۱۹۶۰ پرداخت. با تأسیس اداره برنامه ریزی[2] در سال ۱۹۷۴، این اداره مسئولیت برنامه‌ریزی برای دهه ۱۹۷۰ را بر عهده گرفت. (الرون، ۲۰۲۱/۱۱/۱۶: ارتش اسرائیل)

از دهه ۱۹۹۰، تاریخ واقعی تهیه طرح‌ها، با تاریخ تغییر روسای ستادکل همزمان شده است. لذا اگرچه طرح‌ها به عنوان یک دوره پنج ساله تعریف شده است، اما دوره واقعی رئیس ستاد کل چهار سال طول می‌کشد. در سال ۱۹۹۴، معاون وقت اداره برنامه‌ریزی، کتاب پایه برنامه‌ریزی چند ساله را بر اساس آماده‌سازی دهه ۱۹۷۰ منتشر کرد که هدف آن ارائه اصول برنامه‌ریزی، تهیه یک برنامه چندساله و یک برنامه‌کاری سالانه بود. این کتاب نوشته شده است. (فینکل، ۲۰۲۰: ۷۶-۷۸) سپس در سال ۲۰۰۲، ارتش اسراییل یک دستور دائمی در مورد «رویه تهیه برنامه کاری ستادکل» منتشر کرد که رویه‌های کاری برای تهیه و انتشار برنامه‌های کاری را تعیین می‌کرد. این رویه، دو فرآیند برای تهیه برنامه‌کاری را شرح می‌دهد: ۱- فرآیندی که دوره برنامه‌ریزی یک برنامه‌کاری موجود

1 Avraham Tamir
2 Planning Directorate

تمدید می‌شود، یا فرآیندی که در آن به‌روزرسانی عمیقی در برنامه‌کاری موجود انجام می‌شود. -۲- فرآیندی که برنامه‌کاری جدید تدوین می‌شود.(گزارش سالانه A۵۷ برای سال ۲۰۰۶: ۲۹-۳۰)

در اوایل سال ۲۰۰۹، مرکز تحلیل سیستم‌ها در بخش برنامه‌ریزی، پیش‌نویس کتاب برنامه‌ریزی چندساله را بر اساس تحقیقات انجام‌شده در زمینه تهیه طرح «تیفن» منتشر کرد. این نسخه بر لزوم توسعه جایگزین‌ها تأکید داشت و توصیه می‌کرد که حداقل سه جایگزین، مقایسه و بر جنبه عملیاتی تأکید شود، که این امر امکان درک پیکربندی شکاف‌های بین جایگزین‌ها را در پایان طرح فراهم می‌کند. (فینکل، ۲۰۲۰: ۷۶-۷۸)

طبق تعریف مندرج در کتاب برنامه‌ریزی چندساله‌ی سال ۲۰۱۸، هدف ارتش اسراییل، ارزیابی آمادگی ارتش برای آینده در فرآیندی تا حد امکان منظم، هر چند سال یک بار، برای تعیین اولویت بهبودهای مورد نیاز و تعیین چگونگی وقوع این بهبودها (کجا باید سرمایه‌گذاری‌ها را کاهش داد تا منابع آزاد شوند و در چه زمینه‌هایی سرمایه‌گذاری شوند) است.(همان: ۴۵-۶۱)

مراحل فرآیند برنامه ریزی چند ساله:

طبق کتاب مذکور، فرآیند برنامه‌ریزی چند ساله شامل سه مرحله است: (همان)

۱- پیش‌طراحی: مرحله برنامه‌ریزی اولیه برای بررسی نیازها و نگرانی‌های ارتش اسرائیل که قبل از اعلام نیاز به یک ارتش جدید، توسط رییس ستاد کل ارتش انجام می شود.

۲- طراحی: پس از اعلام نیاز به یک ارتش جدید توسط رئیس ستاد کل، که در آن چالش‌های اصلی که به نظر او ارتش اسرائیل باید به آنها بپردازد، ترتیب اولویت و دامنه بحث را تعریف می‌کند، تیم‌های تحقیقاتی مسائل اصلی را تجزیه و تحلیل کرده و دامنه‌ای برای بحث در مورد استراتژی‌های ممکن ارائه می‌دهند.

۳- برنامه‌ریزی: در این مرحله، برنامه دقیق برای تقویت نیرو ایجاد می‌شود، از جمله چارچوب‌های بودجه برای یگان‌ها و رده‌ها در طول سالهای مد نظر ارتش اسرائیل و فهرستی از وظایفی که این یگان‌ها باید انجام دهند.

دوره‌های زمانی در روش برنامه ریزی چند ساله:

طبق کتاب «ستاد کل: چگونه یاد می‌گیرد، برنامه‌ریزی می‌کند و سازماندهی می‌کند[1]» نوشته "مئیر فینکل[2]"، سه دوره اصلی را می‌توان در روش برنامه‌ریزی شناسایی کرد: (فینکل، ۲۰۲۰: ۴۵-۶۱)

۱- از اوایل دهه ۱۹۵۰ تا اواخر دهه ۱۹۸۰: در این دوره، تمرکز بر ایجاد نیرو بر اساس تعادل نیرو و قدرت در تعداد لانچرها، تانک ها، هواپیماها و واحدها در مقابل دشمن بود. تا جنگ ۶ روزه سال ۱۹۶۷، این تمرکز بر یک دشمن و پس از آن روی چندین دشمن بود. پس از جنگ یوم کیپور ۱۹۷۳، این مفهوم منجر به افزایش قابل توجه نیروهای ارتش اسرائیل شد که منجر به بحران شدید بودجه در دهه ۱۹۸۰ شد. رویکرد اصلی به ایجاد نیرو، رویکرد جنگ محور بود، در حالی که معمولاً این نیروها برای امنیت مداوم در نظر گرفته می‌شوند.

۲- از اواخر دهه ۱۹۸۰ تا سال ۲۰۰۶: پس از بحران در دوره اول، تفکر در جهت متفاوتی آغاز شد که از اواخر دهه ۱۹۸۰ تا پس از جنگ دوم لبنان (جنگ ۳۳ روزه در سال ۲۰۰۶) برنامه‌ریزی شده بود. این تفکر، کیفیت سیستم‌ها به عنوان ارزش عددی برتر نسبت به نیروها بود. به عبارت دیگر، بحث روابط عددی نیروها ادامه یافت، اما در کنار آن، بحث مهمات هدایت شونده دقیق و اطلاعات هدف نیز اضافه شد. در این دوره، کاهش تدریجی پلتفرم‌ها و چارچوب‌ها انجام شد، به رسمیت شناختن یک درگیری محدود پس از انتفاضه اول فلسطین (بین سالهای ۱۹۸۷- ۱۹۹۳) و درگیری در یک حلقه سوم، یعنی درگیری با کشورهایی با اسراییل مرز مستقیم ندارند، آغاز شد، ایجاد یک نیروی اختصاصی در قالب گردان‌های ۹۰ و عناصری از سپاه جمع‌آوری و سیستم حفاظت مرزی که برای جنگ مناسب نبودند، و همچنین ایجاد یک نیروی جداگانه برای دفاع، آغاز شد. در آغاز قرن بیست و یکم، در سال ۲۰۰۳، ارتش اسراییل به دلیل کاهش بودجه، به عنوان بخشی از طرح احیای اقتصاد اسراییل[3]، ملزم به کاهش گسترده در اندازه ارتش شد.

---

۱ عنوان کتاب به عبری: המטכ"ל – כיצד הוא לומד, מתכנן ומתארגן

۲ Meir Finkel: سرتیپ ذخیره ارتش اسراییل که تا سال ۲۰۱۹، رییس مرکز تفکر نظامی میان رشته ای دادو (The Dado Center for Interdisciplinary Military Studies) در ارتش را برعهده داشته است. وی در ارتش اسراییل، به عنوان یک دانشمند در حوزه های استراتژی، تاکتیک و تاریخ نظامی شناخته می شود.

۳ قانون طرح احیای/ بهبود اقتصادی اسرائیل (اصلاحات قانونی برای دستیابی به اهداف بودجه و سیاست اقتصادی برای سال‌های مالی ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴) قانونی است که اساساً بحث در مورد آن جدا از قانون بودجه انجام شد. این قانون در ۲۹ ماه

۳- از سال ۲۰۰۶ تا سال ۲۰۲۰: این دوره پس از جنگ ۳۳ روزه لبنان در سال ۲۰۰۶ آغاز شد که اولین طرح چند ساله این دوره نیز، طرح «تیفن» در سال ۲۰۰۸ بود. این دوره، با برداشتی مشخص می‌شد که بر دشمنان غیر دولتی و شبه نظامی، با استفاده از آتش در ارتفاع بالا و جنگ چریکی تأکید داشت. در این دوره، عمدتاً بر تسلیحات نیروی هوایی و دامنه سیستم‌های پدافند هوایی، با تأکید بر باتری‌های گنبد آهنین و رهگیرهای آنها، متمرکز است. علاوه بر این، در مقایسه با تمرکز بر درگیری محدود در پایان دوره قبل، بازگشت به آمادگی برای جنگ تمام عیار علیه سازمان‌های چریکی و مقاومتی وجود داشت.

اهداف کلی طرح‌های چند ساله:

طرح‌های چند ساله ستاد کل ارتش اسراییل که به مشخصه بارز هر دوره ریاست ستاد کل تبدیل شده است، از انگیزه‌ها و دلایل متعددی نشأت می گیرند که مهمترین آنها عبارتند از:

۱- تکمیل پروژه‌های ناتمام: به دلایل سیاسی و عملیاتی، انتظار نمی‌رود که رئیس ستادکل در طول دوره تصدی خود، تمام برنامه‌های توسعه ارتش را تکمیل کند. بنابراین، یکی از اهداف طرح رئیس ستاد کل جدید، تکمیل آنچه در طرح رئیس ستاد کل قبلی ناتمام مانده است، می‌باشد.

۲- جذب و تلفیق درس‌های آموخته شده: یکی از مهمترین انگیزه‌ها برای تجدید و توسعه برنامه‌های نظامی، درس‌های آموخته شده از جنگ‌ها و نبردهای واقعی و همچنین از تمرین‌های آموزشی - چه تاکتیکی و چه عملیاتی - است. بنابراین، طرح‌های جدیدی برای ادغام این درس‌ها و مفاهیم جدید حاصل از آن، در توسعه ظرفیت‌ها و برنامه‌های عملیاتی تدوین شده توسط رئیس ستاد منصوب شده، تدوین می‌شوند.

۳- تغییرات در تهدید، شکل و محتوا: فرآیند ایجاد و انباشت قابلیت‌های رزمی به عنوان «مسیر» شناخته می‌شود که دلالت بر حالت تغییر و بی‌ثباتی در طول کسب و انباشت این قابلیت‌ها دارد. این پویایی یا انعطاف‌پذیری، از عوامل مختلفی ناشی می‌شود که مهمترین آنها، ماهیت متغیر تهدیدها و خطراتی است که ایجاد می‌کنند. یکی از مهمترین راه‌ها برای شناسایی تغییرات در

می ۲۰۰۳ توسط کنست (پارلمان اسراییل) تصویب شد. این قانون شامل ۱۷ فصل است که بیشتر آنها اصلاحات غیرمستقیم قوانین دیگر و تعداد کمی از آنها قوانین جدید هستند.

تهدیدهای پیش روی اسراییل، ورود آنها به بحران‌ها است. از جمله مهمترین و خطرناک‌ترین این بحران‌ها، جنگ‌ها و نبردهاست که پس از پایان آنها، مطالعه و استخراج درس‌های آموخته شده را ضروری می‌سازد. این درس‌ها ناگزیر بر توسعه و ایجاد قابلیت‌ها تأثیر می‌گذارند، همانطور که در فرآیند برنامه‌ریزی انجام شده توسط فرماندهان و برنامه‌ریزان نظامی، یعنی افسران ستاد کل و فرماندهان شاخه‌های مختلف ارتش اسراییل منعکس شده است.

۴- پرداختن به نقص‌های ناشی از تقویت قوای قبلی: جنگ‌ها میدان آزمایش اصلی و واقعی برای نیروهای نظامی هستند که نقاط قوت و ضعف و همچنین آسیب‌پذیری‌های آنها را آشکار می‌کنند. بنابراین، دولت‌های اسراییل اغلب برنامه‌های تقویت قوای خود را بر اساس نقاط ضعف و کاستی‌های موجود در قابلیت‌های فعلی خود که در طول جنگ‌ها و نبردها آشکار می‌شوند، اصلاح می‌کنند. این نقاط ضعف و کاستی‌ها در قابلیت‌های فعلی آنها، ناگزیر از نقص در رویکرد تقویت قوای قبلی که راهنمای اقدامات آنها بوده است، ناشی می‌شود.

۵- ادغام سلاح‌ها و فناوری‌های جدید در سیستم‌های رزمی موجود: این یک فرآیند مهم است که ارتش‌ها و سازمان‌های نظامی به صورت دوره‌ای انجام می‌دهند. هنگامی که آنها تغییری در مأموریت خود تشخیص می‌دهند، تلاش می‌کنند تا قابلیت‌های مناسب را برای انجام وظایف محوله خود به دست آورند. سلاح‌ها، به عنوان ابزارها و دستگاه‌های منفرد، نمی‌توانند به افزایش قدرت نظامی یا ملی تبدیل شوند، مگر اینکه در سیستم‌های آتش جامع ادغام شوند. بنابراین، برنامه‌های جدید و به‌روز شده‌ای برای ادغام سلاح‌ها، تجهیزات و تدارکات به دست آمده در سیستم‌های کلی آتش نیروهای مسلح تدوین می‌شود.

۶- اثر فرمانده بر ساختار: در حالیکه رهبری و فرماندهی یک پیوستار است و فرمانده جدید بر اساس کار فرمانده قبلی بنا می‌شود، این بدان معنا نیست که فرمانده جدید صرفاً سایه‌ای از فرمانده قبلی خود خواهد بود. بنابراین، فرمانده جدید مشتاق است که بر اساس دانش، تجربه و بینش خود، ردپای خود را بر نیروهایی که قصد فرماندهی آنها را دارد، بگذارد. این اثر نه خودجوش است و نه خودسرانه، بلکه توسط درک فرمانده جدید از تمام نکاتی که قبلاً مورد بحث قرار گرفته است، به ویژه هرگونه تغییر در تهدید و/یا مأموریتی که باید انجام شود، هدایت می‌شود.

روش‌شناسی تحقیق

این مقاله از نظر پژوهشی، کیفی و از نظر هدف، کاربردی و روش آن، توصیفی– تحلیلی است. راهبرد پژوهش، مطالعه موردی(Case Study)و طرح چندساله «حوشن» ارتش اسرائیل (۲۰۲۶–۲۰۳۰) به عنوان مورد مطالعه انتخاب شده است. گردآوری داده‌ها به روش مطالعه کتابخانه‌ای و اسنادی و از طریق جستارهای اینترنتی و بررسی اسناد دست اول انجام شده و جامعه اسنادی آن شامل اسناد رسمی ارتش اسرائیل، اظهارات فرماندهان نظامی، گزارش‌های اندیشکده‌ها و رسانه‌های معتبر این رژیم و همچنین کتب و مقالات علمی مرتبط با برنامه‌ریزی راهبردی نظامی است. داده‌های گردآوری‌شده با استفاده از تحلیل محتوای کیفی مورد بررسی قرار گرفته‌اند تا مؤلفه‌های اصلی برنامه‌ریزی راهبردی، اهداف کلان، اولویت‌های توسعه توان رزمی، تغییرات ساختاری، سازوکار تخصیص منابع و درس‌آموخته‌های عملیاتی استخراج و تحلیل شوند. در مرحله تجزیه و تحلیل، یافته‌های حاصل با مبانی نظری «تحول نظامی» و مفهوم برنامه‌ریزی راهبردی، تطبیق داده شده و جایگاه آینده طرح «حوشن» در تحول دکترین و توسعه قدرت نظامی ارتش اسرائیل ارزیابی و الگوی برنامه ریزی آن ترسیم شده است.

یافته‌های تحقیق

طرح «حوشن» به عنوان طرح چند ساله ارتش اسراییل برای سالهای ۲۰۲۶–۲۰۳۰، رسماً از ماه آوریل ۲۰۲۶ اجرا شد. نام این طرح با میراث یهودی کتاب مقدس مرتبط است و از «حوشن»(به عبری: חושן)، زره سینه‌ای که در سنت یهودی، کاهن اعظم بر گردن می‌انداخت، گرفته شده است. درون آن ۱۲ سنگ قرار داشت که نماد دوازده قبیله اسرائیل می‌باشد و با ساختار ۱۲ محور اصلی این طرح همسو است.(مرکز الاتحاد للأبحاث والتطویر، ۲۰۲۶: ص ۵)

این طرح شامل بازنگری سالانه برای تطبیق اهداف خود با تغییرات و تحولات منطقه‌ای در خاورمیانه است و روح حاکم بر تهیه و تدوین طرح و مفاد آن، برگرفته از دو مورد است: ۱- درس آموخته‌های حمله حماس در ۷ اکتبر ۲۰۲۳، همراه با ارزیابی‌های مراحل بعدی جنگ در

غزه، لبنان و ایران و پیش‌بینی‌های تهدیدات آینده -۲- تجربه جنگ چند جبهه‌ای در نوار غزه، کرانه‌باختری، لبنان، سوریه، یمن و ایران در بیش از دو سال.

طراحی و هدایت طرح:

تهیه و تدوین طرح، با شعبه برنامه‌ریزی[1] ستاد کل ارتش اسراییل اما تحت هدایت زامیر بود و اجرای طرح نیز توسط سرلشکر "هیدای زیلبرمن[2]" رهبری خواهد شد. طرح بر اساس مجموعه‌ای از جلسات با فرماندهان میدانی تدوین شده و از آنجایی که برگرفته از درس آموخته‌های جنگ در جبهه‌های مختلف است، لذا تولید درس‌آموخته‌ها و تحقیقات مربوط به پیش نیازهای طرح، توسط "تامیر یادای[3]"، معاون رئیس ستادکل هدایت شد.

این طرح بر ۱۲ موضوع کلیدی تمرکز دارد که توسط تیم‌های تخصصی به رهبری فرماندهان بلندپایه هدایت می‌شوند. تشکیل تیم‌های تخصصی برای پشتیبانی از مدیریت کارآمد منابع و همگام شدن با پیشرفت‌های ناگهانی فناوری در دفاع و حمله می‌باشند. این تیم‌ها، به بهبود کارایی برای استفاده بهینه از منابع و مقابله با آنچه که آن را «غافلگیری‌های تکنولوژیکی» در هر دو حوزه دفاعی و تهاجمی می‌نامد، می‌پردازند. این طرح همچنین تیمی مخصوص توسعه فرهنگ سازمانی در ارتش اسرائیل را پیش‌بینی می‌کند. دو تیم دیگر نیز بر مسائل اساسی و مشترک تمرکز خواهند کرد: تیم بهره‌وری و تیم شگفتی‌های فناوری. **(شبکة يافا الإخبارية: ۲۰۲۶/۰۱/۱۲)**

هدف و مأموریت اصلی طرح:

حوشن مبتنی بر دستورالعمل‌های رده سیاسی و با توجه به نبرد ارتش اسراییل طی سه سال اخیر (به ویژه در جبهه نوار غزه) و به عنوان چشم انداز جنگ بعدی، در درجه اول با هدف بازیابی و تقویت قابلیت‌های ارتش اسرائیل در دوران پسا جنگ و آماده‌سازی آن برای رویارویی‌های آینده، تدوین شده است. بنابراین، هدف و مأموریت اصلی طرح، بازسازی، بازیابی و توسعه قابلیت‌های ارتش اسراییل پس از ۱۷اکتبر و تمرکز بر آمادگی آن برای یک جنگ غافلگیرانه، از جمله تقویت مرزها (به عنوان یکی از درس‌های آموخته شده از ۱۷اکتبر) است.(مؤسسة الدراسات الفلسطينية: ۲۰۲۶/۰۱/۱۳)

---

۱ معادل معاونت طرح و برنامه در ساختار نیروهای مسلح ج.ا.ایران است.

2 Maj. Gen. Hidai Zilberman
3 Tamir Yadai

هزینه و بودجه طرح:

از نظر مالی، طرح حوشن بر اساس یک برنامه بلندمدت تقویت نظامی است که تخمین زده می‌شود هزینه آن، تقریباً ۳۵۰ میلیارد شیکل (حدود ۱۱۳ میلیارد دلار) باشد. منقول است که این بودجه، برای یک دهه آینده در نظر گرفته شده است؛ بودجه‌ای بی‌سابقه که منعکس‌کننده مقیاس گسترش نظامی مورد نیاز است. البته بودجه ۳۵۰ میلیارد شیکلی، شامل کمک‌های آمریکا نمی‌شود و جزئیات آن توسط کارگروه‌های مشترک اسرائیلی-آمریکایی مورد بحث قرار خواهد گرفت.(الجزیرة الإخباریة: ۲۰۲۶/۰۶/۲۰)

تهدیدات مطروحه در طرح:

جبهه های تهدید و موقعیت‌های جغرافیایی آنها در طرح حوشن عبارتند از: نوارغزه، لبنان، یمن، ایران، سوریه و اردن. خطرات فراگیر ناشی از این تهدیدات نیز این چنین بیان شده است: (سلمان البیضانی، ۲۰۲۶: ص ۱۰)

- عملیات نفوذ مرزی
- آتش مستقیم و آتش قوسی از وسایل و تجهیزات مختلف هوایی، زمینی و دریایی
- تهدیدات مترتب بر جبهه داخلی

موضوعات اصلی:

طرح دارای ۱۲ موضوع اصلی است که هر کدام توسط یک سرلشکر رهبری می‌شود. این موضوعات عبارتند از:(همان: ص ۱۱)

۱- نیروی انسانی: تقویت نیروی انسانی ارتش اسرائیل در تمام اجزای آن اعم از خدمت اجباری، خدمت دائم، نیروهای ذخیره و کارمندان غیرنظامی ارتش اسرائیل.

۲- آمادگی جنگی: تقویت آمادگی برای جنگ، به ویژه برای جنگ غافلگیرانه، از طریق طرح‌های دفاعی و تهاجمی برای شکست دشمن در جنگی با تهدیدهای چندگانه که ممکن است مدت زیادی طول بکشد، در حلقه‌های نزدیک و دور.

۳- بازگشت به توانمندی و توانبخشی: بازگشت به شایستگی پس از بیش از دو سال جنگ، از طریق بازسازی سکوهای جنگی و نوسازی تسلیحات، تدارکات و زیرساخت‌ها، و در عین حال انجام آموزش و پرورش در عین حفظ امنیت مداوم.

۴- مرزها: درس اصلی ۱۷ اکتبر، تقویت مرزهای اسراییل، جلوگیری از سنگربندی دشمن در نزدیکی مرز و نفوذ آن و همچنین آمادگی برای واکنش سریع در صورت حمله است. مرزها دیگر «خط هشدار اولیه» نیستند، بلکه «میدان نبرد خونینی» هستند که به جای تکیه صِرف بر ابزارهای الکترونیکی، نیاز به حضور انسانی دارند و باید به طور مداوم درگیر نظامی شد و ابزارهای فیزیکی برای جلوگیری از هرگونه نفوذ دشمن ضروری است.

۵- دفاع هوایی: ارتش اسرائیل به فعالیت خود در حوزه‌های دفاع هوایی و دفاع نزدیک به زمین در برابر تهدیدات موجود و در حال توسعه در میدان ادامه خواهد داد.

۶- مانور مرگبار: منظور تقویت مانور نیروی زمینی است؛ به معنای بازیابی توانایی نیروهای زمینی برای دستیابی به اقدام قاطع سریع (پیروزی قاطع) و نابودی قابلیت‌های دشمن در اعماق خاک خود.

۷- تداوم عملکردی: بهبود تداوم عملکردی، به طوری که عملیات مداوم زیر آتش امکان‌پذیر باشد.

۸- جمع‌آوری اطلاعات: افزایش قابلیت‌های اطلاعاتی و جمع‌آوری اطلاعات، با هدف ایجاد اثربخشی عملیاتی.

۹- هوش مصنوعی: یک طرح تقویت نیرو در دنیای امروز، با تأکید بر برتری فناوری و بهبود اثربخشی عملیاتی تعیین خواهد شد. ادغام هوش مصنوعی در تمام شاخه‌های ارتش برای افزایش کُشندگی و دقت، ضروری است.

۱۰- رباتیک: تقویت استفاده از ابزارهای رباتیک و خودمختار، ضمن بهبود و توسعه پاسخ به نیازهای عملیاتی مورد نیاز.

۱۱- دریا و فضا: تبدیل دریا و فضا به یک «بُعد رزمی فعال»، ارتش اسرائیل را ملزم به آمادگی فراتر از دهه های اخیر خواهد کرد.

۱۲- حلقه سوم (ایران): افزایش قابلیت‌های استراتژیک برای حمله به اهداف دوربرد و تضمین مدیریت و عملیات سازمان‌یافته در چندین صحنه نبرد به طور همزمان.

تغییرات سازمانی و ساختاری تا سال ۲۰۳۰:

این طرح شامل تغییرات اساسی در ساختار ارتش اسراییل برای افزایش انعطاف‌پذیری و قابلیت‌های تهاجمی آن است. در ژوئن ۲۰۲۵، زامیر رییس ستادکل ارتش، گام گسترده‌ای را برای

تغییرات در ساختار نیرو در ارتش اسرائیل، به عنوان بخش اول طرح حوشن برداشت. برخی این تغییرات عبارتند از: (وب‌سایت ارتش اسرائیل: ۲۰۲۵/۰۶/۱۱)

۱- ایجاد یک لشکر زمینی منظم جدید (لشکر ۳۸): این لشکر شامل تمام واحدهای آموزشی پایه، تحت فرماندهی فرمانده نیروی زمینی خواهد بود.

۲- تأسیس لشکر گلعاد: یک لشکر شرقی جدید که مسئول تأمین امنیت کل مرز اردن، تحت فرماندهی مرکزی ارتش اسراییل است. تأسیس "تیپ‌های داوود" نیز تحت نظر این لشکر است.

۳- توسعه «غافلگیری‌های تکنولوژیکی»: تشکیل یک تیم ویژه برای توسعه فناوری‌های تهاجمی و دفاعی پنهان‌کار که قادر به غافلگیری دشمن و وارد کردن خسارات قابل‌توجه هستند.

۴- تعطیلی سپاه ۴۴۶ (سپاه ستادکل) و فرماندهی آموزش و تمرین: این فرماندهی در ژوئن ۲۰۲۵ تعطیل و به تیپ عملیات و آموزش پایه تبدیل شد. سپاه ۴۴۶ نیز در فوریه ۲۰۲۶ انجام شد.

۵- تبدیل سیستم آموزش به یک بخشِ ذیل فرمانده نیروی زمینی، که یک بخش مانورپذیر، شامل تمام پایگاه‌های آموزشی رزمی و واحدهای آموزشی نیروهای زمینی خواهد بود.

۶- جدایی تیپ ۲۶۱ از لشکر اول پیاده نظام و تبدیل آن به یک تیپ ذخیره مانورپذیر اضافی در لشکر ۲۵۲

۷- ایجاد گردان ۷۷۵، پنجمین گردان مختلط در تیپ نجات فرماندهی جبهه داخلی از آگوست ۲۰۲۵: این گردان در فوریه ۲۰۲۶ عملیاتی شد.

۸- ایجاد یک گردان ذخیره از جریان راست افراطی موسوم به حریدی

۹- ایجاد یک جناح جدید در سیستم پدافند هوایی: یک تیپ ذخیره علاوه بر تیپ‌های منطقه‌ای ۳۰۰ و ۷۶۹ تحت نظر لشکر ۹۱ فعالیت خواهد کرد.

۱۰- تأسیس یک گروهان تحرک رزمی برای منطقه جبل الشیخ در سوریه در تیپ ۸۱۰.

ویژگی‌های راهبردی طرح:

این ویژگی‌ها به شرح ذیل است:

۱- انسان‌محوری: طرح حوشن نیروی انسانی را مهم‌ترین سرمایه ارتش معرفی کرده و بر افزایش انگیزه، حفظ نیروهای حرفه‌ای و بهبود وضعیت نیروهای ذخیره تأکید می‌کند.

۲- آمادگی دائمی برای جنگ: در این طرح فرض بر آن است که ارتش ممکن است در هر زمان وارد درگیری جدید شود؛ بنابراین، آمادگی رزمی باید به‌طور مستمر حفظ شود.

۳- توسعه فناوری: هوش مصنوعی، تحلیل داده، سامانه‌های خودران، رباتیک و یکپارچه‌سازی اطلاعات در تمامی سطوح عملیاتی از ارکان اصلی طرح هستند.

۴- تمرکز بر تهدیدهای منطقه‌ای: حوشن بر آمادگی برای مقابله هم‌زمان با بازیگران دولتی و غیردولتی و سناریوهای چندجبهه‌ای تأکید دارد و تقویت دفاع هوایی و حفاظت مرزی را در اولویت قرار می‌دهد.

مُدل مفهومی

از یافته‌های تحقیق، نوعی مدل مفهومی حاصل می‌شود که تحول راهبردی ارتش اسرائیل از «یادگیری سازمانی» تا «بازسازی قدرت نظامی» در قالب برنامه‌های چندساله همچون طرح حوشن را نشان داده و بر اساس چهار متغیر اصلی می باشد که به شرح جدول و شکل ذیل است.

جدول ۵. تحول راهبردی ارتش اسرائیل از «یادگیری سازمانی» تا «بازسازی قدرت نظامی» در قالب برنامه‌های چندساله

متغیر	موارد مربوطه	توضیحات
متغیر مستقل: فشارهای محیط راهبردی	۱- تغییر ماهیت تهدیدها -۲- تجربه شکست‌های اطلاعاتی و عملیاتی -۳- جنگ‌های چندجبهه‌ای - ۴- افزایش اهمیت فناوری‌های نظامی	تغییر در محیط امنیتی، ارتش اسرائیل را به سمت بازطراحی ساختار قدرت سوق داده است.
متغیر میانجی: یادگیری سازمانی و بازنگری دکترین	چگونگی رسیدن ارتش از تجربه‌های جنگی به سیاست‌های جدید (به ترتیب): ۱- جنگ/ بحران -۲- ارزیابی عملکرد -۳- استخراج درس‌ها -۴- اصلاح دکترین -۵- برنامه- ریزی نیرو	در طرح حوشن، تأکید رسمی بر استفاده از تحقیقات و ارزیابی‌های پس از ۷ اکتبر و جنگ‌های پس از آن قرار گرفته است.
متغیر مداخله‌گر: الگوی برنامه‌ریزی چندساله ارتش اسرائیل	منطق این الگو (به ترتیب): ۱- ارزیابی تهدید -۲- تعیین اولویت‌ها -۳- تخصیص منابع -۴-- توسعه قابلیت ها	برنامه‌های چندساله ابزار اصلی اتصال اهداف سیاسی ـ امنیتی با ساختار، بودجه و فناوری هستند.
	نتایج مورد انتظار طرح:	

متغیر	موارد مربوطه	توضیحات
متغیر وابسته: تحول قدرت نظامی	۱- افزایش آمادگی رزمی -۲- تقویت بازدارندگی -۳- کاهش آسیب‌پذیری در برابر حملات غافلگیرانه -۴- افزایش اتکا به فناوری -۵- بهبود هماهنگی میان نیروهای زمینی، هوایی، اطلاعاتی و سایبری	



شکل ۱. مدل مفهومی: تحول راهبردی ارتش اسرائیل از «یادگیری سازمانی» تا «بازسازی قدرت نظامی» در قالب برنامه‌های چندساله (مطالعه موردی: طرح حوشن ۲۰۲۶—۲۰۳۰)

تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق

برنامه ریزی راهبردی ارتش اسراییل در طرح حوشن، بر اساس چارچوب نظری «تحول نظامی»، بر اساس موارد ذیل قابل تجزیه و تحلیل است.

محیط امنیتی و تهدیدات:

الف) عدم تغییر کلی در جغرافیای تهدید: از نظر طرح حوشن، جغرافیای تهدید بدون تغییر باقی می‌مانند. پس از حدود سه سال جنگ، اسراییل هنوز جبهه‌های غزه و لبنان را در اولویت قرار می‌دهد و معتقد است که جنگ در این دو جبهه، اگرچه تلفات سنگینی به بار آورده، اما تهدید را از بین نبرده است. در مورد جبهه سوریه نیز معتقد است که دولت مرکزی کنترل واقعی بر آن ندارد و تهدیدی می‌تواند در آنجا ظهور کند. از سوی دیگر، حوشن آمادگی رزمی ارتش برای جنگ در جبهه‌های دوردست مانند ایران، عراق و یمن را ضروری می داند.

ب) اردن؛ کلیدی‌ترین جغرافیای تهدید اسراییل در آینده: گنجاندن «اردن» در این طرح به عنوان یکی از جغرافیای تهدید، بر خلاف طرح‌های قبلی است. در طرح‌های قبلی، کرانه‌باختری به عنوان یکی از جبهه‌ها معرفی می‌شد. این موضوع نشان می دهد که اسراییل نسبت به تهدید در امتداد مرزهای شرقی فلسطین اشغالی، برآورد ویژه‌ای دارد.

ج) تقویت برنامه و اقدام در دایره سوم: ارتش اسرائیل، ایران را به عنوان دشمن اصلی تعریف می‌کند و حوشن شامل بازسازی قابلیت‌های نشان داده شده در عملیات شیر خیزان (جنگ ۱۲ روزه) است. ارتش اسرائیل خود را موظف می‌داند با تهدیدات در دایره‌های دوردست که ایران بازیگر اصلی آن است، مقابله کند. قابلیت‌های عملیاتی و مدیریت سیستم‌ها نیز باید به طور همزمان در چندین صحنه نبرد دوردست تقویت شود.

بازنگری دکترین:

الف) بازنگری دکترین‌های سنتی و بازگشت به اصول اولیه: حوشن دکترین‌های سنتی را مورد بازنگری قرار می‌دهد و به دنبال هماهنگی بیشتر بین نیروهای هوایی، زمینی و دریایی است. همچنین، این طرح نشان‌دهنده تغییر از یک «ارتش کوچک و هوشمند» به یک «ارتش قوی و بزرگ» است که فناوری پیشرفته را در یک ساختار رزمی که به شدت به مانور زمینی و استحکامات دفاعی متکی است، ادغام می‌کند. ارتش اسراییل در طرح‌های چند ساله خود در سالهای ۲۰۰۳ تا ۲۰۲۰، به دنبال کوچک کردن و هوشمند نمودن ارتش و تمرکزشان بر نیروی هوایی و فناوری بود.(زارعی، ۱۴۰۱: ۱۸-۲۳) اما پس از حادثه ۷ اکتبر، اسراییل به این نتیجه رسید که یک ارتش قوی و بزرگ با نیروی انسانی کافی و فناوری های مدرن، می‌تواند به تهدیدات متعدد و متنوع اسراییل پاسخ دهد.

ب) احیای رُکن «دفاع» به عنوان یک عنصر وجودی: اگرچه «دفاع» ستون و رکن چهارم در استراتژی امنیت ملی اسراییل (در کنار ارکانی همچون بازدارندگی، هشدار اولیه، پیروزی قاطع) بود، اما به نفع فناوری به حاشیه رانده شده بود. پس از ۷ اکتبر ۲۰۲۳، دفاع به پایه وجودی خود بازگشت که ستون‌های دیگر بر روی آن ساخته می‌شوند. دفاع اکنون در ارتش اسراییل، محافظت

از جبهه داخلی، دفاع هوایی در برابر پهپادها و موشک‌ها، دفاع سایبری و حفظ «عملکرد» در زیر آتش نیز تعریف می شود.

ج) تقویت مفهوم «پیروزی قاطع»: دکترین جدید ارتش اسراییل، با هدف نابودی کامل قابلیت‌های دشمن به جای صرفاً بازدارندگی آنها، بر «مانور مرگبار» در اعماق خاک دشمن تمرکز دارد تا مدت زمان جنگ را کوتاه کند و از فرسایش جبهه داخلی خود جلوگیری کند.

اهداف راهبردی:

الف) بازیابی آمادگی: این طرح فراتر از فناوری و سخت‌افزار، اولویت را به بازیابی آمادگی و تاب‌آوری در میان نیروهای ذخیره، سربازان وظیفه و پرسنل حرفه‌ای پس از عملیات جنگی طولانی مدت می‌دهد.

ب) آمادگی برای حملات غافلگیرانه: هسته اصلی طرح، در آمادگی ارتش اسرائیل برای یک جنگ غافلگیرانه نهفته است. این امر شامل تقویت مرزها با توجه به درس‌های آموخته شده از ۷ اکتبر، برای جلوگیری از هرگونه حمله غافلگیرانه مجدد است. این امر مستلزم داشتن قابلیت‌های دفاعی است که ارتش را قادر می‌سازد مرزها را تقویت کرده و از جبهه داخلی محافظت کند. علاوه بر این، بتواند با استفاده از ابزارها و سلاح‌های مختلف، با هدف خنثی کردن تهدیدات در مراحل اولیه، قبل از تحقق یا عملیاتی شدن آنها، حملاتی را انجام دهد.

تحول ساختار نیرو و توسعه توان رزمی:

الف) تناسب تکیه بر فناوری و نیروی انسانی: طرح حوشن به جای تکیه بیش از حد بر راه‌حل‌های تکنولوژیکی صِرف، بر تقویت عنصر انسانی (مردم به عنوان قدرت ارتش) تمرکز دارد. به همین دلیل است که طرح بر اساس ۱۲ رکن اصلی، در گام اول با «منابع انسانی» شروع می‌شود. یعنی طرح در چارچوب وسیع‌تری از فناوری قرار می‌گیرد، زیرا طرح به صورت رسمی، نیروی انسانی، آمادگی و بازسازی ساختار را در اولویت قرار می‌دهد.

ب) برجسته شدن «فضا» و «دریا» به عنوان دو عرصه عملیاتی جدید: فضا و دریا، دو عرصه عملیاتی هستند که در طرح حوشن به صورت ویژه بر آنها تأکید شده است؛ به گونه‌ای که از یک «نیروی رزمی فعال پشتیبان»، به یک «بازوی استراتژیک چندبعدی» تبدیل می شوند. این طرح

شامل مأموریتی برای استقرار ده‌ها ماهواره کوچک در فضا برای پشتیبانی از عملیات نظامی است. تمرکز بر فضا و نظامی‌سازی آن در چارچوب دستیابی به قابلیت‌هایی است که اسراییل را قادر می‌سازد تصویر اطلاعاتی بهتری از دشمن و همچنین هشدار اولیه در مورد تهدیدات ایجاد کند، خدمات ضروری در جنگ سایبری دریافت کرده و در آینده، بتواند به سیستم‌های جنگی مبتنی بر لیزر مجهز شوند که در انجام حملات تلافی‌جویانه علیه تهدیدات آینده مفید خواهند بود.

این طرح همچنین بر تجهیز نیروی دریایی به سیستم‌های رزمی و آتش تمرکز دارد که اسراییل را قادر می‌سازد تا با تهدیدات در صحنه عملیات دریایی مقابله کند. ارتش اسرائیل تصمیم مهمی گرفته است: «نیروی دریایی به بازوی استراتژیک مکمل بمب‌افکن‌های هوایی تبدیل خواهد شد که قادر به حمل موشک‌اندازها در عمق خاک دشمن و هدایت حملات ثانویه یا پیشگیرانه هستند.»(اشکنازی، ۲۰۲۶/۰۱/۱۲: معاریو) باید توجه داشت که تمرکز بر دریا و دارایی‌های جنگی دریایی، یک ضرورت مبرم برای اسراییل است، زیرا فاقد عمق استراتژیک واقعی است که به آن اجازه دهد حملات غافلگیرکننده را بدون آسیب رساندن به مراکز ثقل انسانی و اقتصادی خود، و همچنین مراکز ثقل سیاسی و نظامی خود، جذب کند.

ج) نیاز مُبرم به تقویت معماری پدافند هوایی: پدافند هوایی و موشکی همچنان یک تمرکز اصلی در ارتش اسراییل است. این ارتش قصد دارد به تقویت معماری دفاع هوایی چندلایه خود، به ویژه در برابر تهدیدات پهپادی در حال تکامل، ادامه دهد و سیستم دفاع هوایی مبتنی بر لیزر پرتو آهنین را بیشتر توسعه دهد.

د) ارتقای نقش نیروی هوایی در حمایت از نیروی زمینی: طبق طرح حوشن، انتظار می‌رود نیروی هوایی ارتش اسرائیل نقش بزرگ‌تری در حمایت از نیروهای زمینی برای مقابله با تهاجم‌های زمینی احتمالی فرامرزی بر عهده بگیرد. در همین راستا، در ماه می ۲۰۲۶، کابینه اسراییل، تجهیز و خرید یک اسکادران چهارم F-35I Adir و یک اسکادران دوم F15IA را تصویب کرد.(بن کیمون و آیچنر، ۲۰۲۶/۰۵/۰۳: یدیعوت آحرونوت)

ه) تبدیل سیستم آموزشی به یک لشکر زمینی منظم: تبدیل سیستم آموزشی ارتش اسراییل به لشکر ۳۸ (لشکر زمینی منظم)، از برجسته‌ترین تغییرات ساختاری در طرح حوشن محسوب می‌شود. این سیستم مستقیماً تحت فرماندهی نیروی زمینی قرار گرفت. لشکر ۳۸ نیز نمایانگر یک

«ارتش آموزش رزمی» است که آموزش نظامی را با اثربخشی عملیاتی مستقیم ادغام می‌کند. آموزش نظامی در لشکر ۳۸ بر اساس این فرض خواهد بود که «غافلگیری اجتناب‌ناپذیر است»؛ زیرا مدل‌های هشدار قدیمی در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ ناکارآمدی خود را ثابت کردند.

هوش مصنوعی و فناوری‌های نوین:

الف) افزایش نقش هوش مصنوعی، رُبات‌ها و پلتفرم‌های خودکار: این طرح به دنبال استفاده از هوش مصنوعی و ادغام ربات‌های رزمی در سیستم‌های آتش هوایی، زمینی و دریایی است. لذا انتظار می‌رود هوش مصنوعی عمیق‌تر در برنامه‌ریزی عملیاتی، فرماندهی و کنترل و عملکردهای اداری ارتش اسراییل ادغام شود و توسط زیرساخت‌های داده‌های نظامی گسترده‌تر، پشتیبانی شود. این چارچوب بر استفاده گسترده از فناوری‌های پیشرفته، از جمله هوش مصنوعی، رباتیک، سیستم‌های خودران و قابلیت‌های مرتبط با فضا تأکید دارد.

آمادگی برای جنگ چندجبهه‌ای:

الف) تغییر در مفهوم، شکل، سطح و راهبرد «نبرد»: در این طرح، مفهوم نبرد دستخوش تغییر اساسی، به ویژه در درک «دشمن» و جبهه‌های نبرد که چندگانه شده‌اند، شده است. این مفهوم از رویارویی با یک جناح واحد، به آمادگی برای یک جنگ چند جبهه‌ای تغییر یافته است. رهبری اسرائیل به این نتیجه رسیده است که محدود کردن خود به عملیات جنگی در مقیاس کوچک، به دشمنان اجازه داده است تا سازمان‌هایی را ایجاد کنند که قادر به انجام حملات استراتژیک باشند.

ب) مدیریت درگیری چند جبهه‌ای با «تضمین تداوم عملکردی»: طرح حوشن با هدف توانمندسازی ارتش اسراییل برای مدیریت همزمان عملیات در چندین جبهه دوردست، در عین «تضمین تداوم عملکردی» در زیر آتش سنگین انجام می‌شود. استراتژی جدید در طرح حوشن این است که «دشمن ابتدا باید با نابودی روبرو شود» و با نشان دادن اینکه هزینه هرگونه اقدام علیه اسرائیل، فروپاشی کامل توانایی‌های دشمن خواهد بود.

بودجه، منابع و الزامات اجرایی؛ نقاط ضعف و چالش‌ها:

اجرای طرح حوشن با توجه به شرایط کنونی و پیش روی اسراییل، با یک واقعیت بسیار پیچیده نظامی، مالی، اجرایی و منابع انسانی روبرو است که نقاط ضعف و چالش‌های اساسی پیش روی آن را آشکار می کند.

نقاط ضعف ذاتی طرح حوشن:

الف) پیچیدگی و آمادگی اجرا: این طرح، به نوعی بلندپروازانه است. هدف آن بازسازی کل لشکرها، تغییر دکترین مرزی، ایجاد یک بازوی دریایی استراتژیک و ادغام فضا و هوش مصنوعی به عنوان یک بُعد جنگی، همه به طور همزمان است. این پیچیدگی، در را به روی مشکلاتی باز می‌کند که در اجرا و هماهنگی، روی کاغذ یک مفهوم انقلابی است، اما کاربرد عملی آن با چالش‌های عظیم بوروکراتیک و لجستیکی روبرو خواهد بود.

ب) تضاد بین بازگشت به اصول و جهش تکنولوژیکی: طرح حوشن خواستار بازگشت به اصول و عملیات زمینی برای مقابله با اتکای بیش از حد به فناوری در طرح‌های قبلی است. در عین حال، خواستار تبدیل فضا و هوش‌مصنوعی به یک «بُعد فعال رزمی» است. این می‌تواند منجر به درگیری بر سر منابع و اولویت‌ها در ارتش شود که آیا تمرکز بر آموزش و تأمین مالی نیروهای زمینی خواهد بود یا بر توسعه غافلگیری‌های تکنولوژیکی پرهزینه؟!

ج) حفظ مُدل «دفاع وجودی در مرزها»: تبدیل مرزها از «خط آماده‌باش» به یک «میدان نبرد خونین» نیازمند حضور گسترده و مداوم انسانی است. این مدل در درازمدت، منابع انسانی و مادی را تحلیل می‌برد. این مدل می‌تواند نیروهای منظم و ذخیره را فرسوده کند و ارتش را در حالت آماده‌باش دائمی نگه دارد که ممکن است ناپایدار باشد؛ چه از نظر اقتصادی و چه از نظر پرسنل.

چالش ها و موانع اجرای طرح:

الف) بحران عمیق سرمایه انسانی: تمرکز شدید این طرح بر سرمایه انسانی، صرفاً یک هدف نیست، بلکه اذعانی به بحرانِ عمیق و مداوم است. رئیس اداره برنامه‌ریزی و نیروی انسانی ارتش اسراییل تصریح می‌کند ارتش اسرائیل با کمبود ۱۲۰۰۰ سرباز از جمله ۶۰۰۰ تا ۷۵۰۰ سرباز رزمی، مواجه است.(کالکالیست: ۲۰۲۶/۰۵/۱۷) او هشدار داد که این شکاف می‌تواند تا اوایل سال ۲۰۲۷ به

حدود ۱۷۰۰۰ سرباز افزایش یابد و به طور بالقوه فشار بیشتری بر برنامه‌های توسعه و ساخت نیروی نظامی وارد کند. ارتش اسراییل با بحران واقعی در مورد نیروی انسانی روبرو است. بسیج طولانی مدت نیروی انسانی برای نبردها و بحران‌ها، بر وضعیت اقتصادی اسراییل تأثیر می‌گذارد.

ب) افزایش مدت نیروهای ذخیره: تیپ‌های ذخیره بخش مهمی از هسته عملیاتی ارتش اسراییل هستند، اما کاهش طول خدمت سربازی، سیستم ذخیره ارتش اسراییل را فلج کرده و ارتش منظم را به لبه پرتگاه سوق می‌دهد. به همین دلیل، ارتش اسراییل درخواست تمدید خدمت از ۳۲ ماه به ۳۶ ماه را دارد.(همان) ارتش این رژیم در حال آماده‌سازی برای حفظ تقریباً ۶۰۰۰۰ سرباز ذخیره در هر زمان معین در طول سال ۲۰۲۶، ده برابر تعداد قبل از ۷اکتبر است و هر نیروی ذخیره می‌تواند سالانه حدود دو ماه و نیم به خدمت فراخوانده شود.

ج) حریدی‌ها و خدمت اجباری: در ۱۷ می ۲۰۲۶، ارتش اسراییل در مورد ارتباط مستقیم بین قانون خدمت اجباری و تعداد نیروها و میزان نیروهای عملیاتی هشدار داد.(همان) بر اساس این هشدار، عدم تصویب قانونی برای جذب سربازان بیشتر به ارتش اسراییل، به ویژه خدمت اجباری گسترده حریدی‌ها، ارتش را ظرف چند ماه با کمبود شدید مواجه خواهد کرد. از سوی دیگر، با وجود افزایش تعداد سربازان جنگی در هر دوره خدمت سربازی در طول جنگ، میزان نیرو به دلیل تلفات، جراحات و خستگی تقریباً ثابت مانده است. این موضوع، مسئله خدمت اجباری حریدی‌ها را در قلب محاسبات طرح حوشن قرار می‌دهد.

د) بودجه هنگفت و چالش تأمین مالی: بودجه یک عدم قطعیت کلیدی در اجرای این طرح است. ارتش و وزارت دارایی اسراییل در مورد تخصیص بودجه به مدت پنج سال اختلاف نظر دارند. وزارت دارایی مایل به محدود کردن آن به یک سال و سپس ارزیابی مجدد آن است. در مارس ۲۰۲۶، بودجه ۲۰۲۶ ارتش اسراییل، ۱۴۳ میلیارد شیکل (تقریباً ۳۸.۶ میلیارد دلار) از بودجه دولت، علاوه بر تقریباً ۲۲ میلیارد شیکل (تقریباً ۵.۹ میلیارد دلار) کمک آمریکا، تصویب شد. (خلف‌الله، ۲۰۲۶: الجزیرة الإخباریة) باید توجه داشت که طرح با مانع شفافیت منابع مالی نیز، با توجه به کاهش احتمالی کمکهای آمریکا، بی‌ثباتی بودجه دولت اسراییل، جنگ مجدد و نتایج انتخابات اسراییل اکتبر ۲۰۲۶، مواجه است و می‌تواند بر اجرای آن تأثیر بگذارد.

ه) افزایش بدهی‌ها به صنایع نظامی: در آوریل ۲۰۲۶، بدهی وزارت دفاع اسراییل به صنایع نظامی به رکوردی نزدیک به ۱۳ میلیارد شیکل (تقریباً ۳.۵ میلیارد دلار) رسیده است. این در حالی است که بودجه ارتش برای سال ۲۰۲۶ از ۱۱۲ میلیارد شیکل (تقریباً ۳۰.۲ میلیارد دلار) در ابتدای سال به تقریباً ۱۴۴ میلیارد شیکِل (تقریباً ۳۸.۹ میلیارد دلار) در اواخر سال افزایش یافته است.(همان) این ارقام، این طرح را بین بودجه اعلام شده بزرگ و تعهدات مالی انباشته شده وزارت دفاع به صنایعی که قرار است بخش قابل توجهی از بار تقویت نیرو را بر دوش بکشند، قرار می‌دهد.

و) عدم اطمینان اسراییل در مورد آینده کمک‌های آمریکا: حوشن در بحبوحه نگرانی‌ها در ارتش اسراییل از کاهش قابل توجه کمک‌های نظامی آمریکا به اسرائیل، که قرار است فرمول جدید آن از سال ۲۰۲۸ آغاز شود، کلید خورده است و این احتمال وجود دارد که فرمول بعدی، آخرین فرمول باشد. از سوی دیگر، نتانیاهو نخست وزیر اسراییل، به دنبال پایان کمک‌های نظامی آمریکا ظرف یک دهه است. این نکته با افزایش تولید داخلی و تکیه بر صنایع اسرائیل، همزمان شده است که بر برنامه‌ریزی دفاعی بلندمدت اسرائیل نیز تأثیر می‌گذارد.

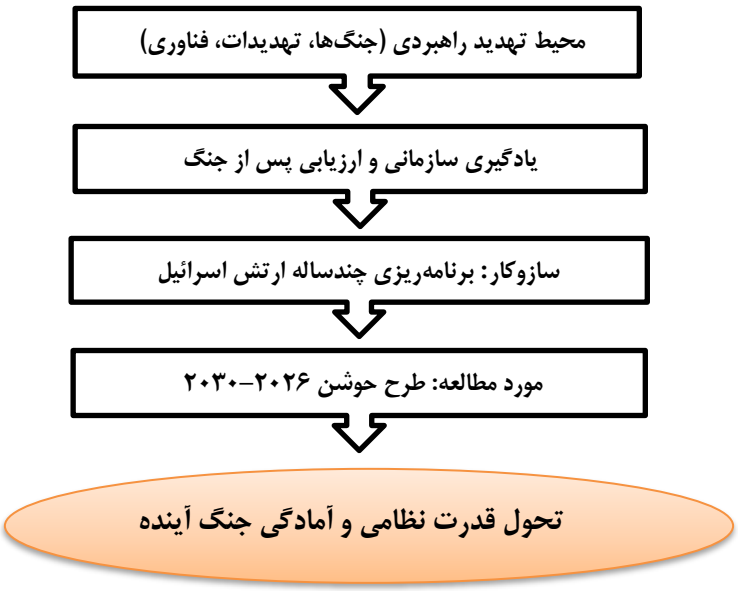
الگوی برنامه‌ریزی راهبردی در طرح حوشن:

تجزیه و تحلیل انجام شده، شاخص‌های موجود در طرح حوشن را منطبق بر نظریه تحول نظامی نشان می‌دهد.

جدول ۶. انطباق طرح حوشن با نظریه تحول نظامی

مؤلفه تحول نظامی	شاخص در طرح حوشن
فناوری	هوش مصنوعی، پهپاد، سایبر، اطلاعات
دکترین	تغییر شیوه جنگ چندجبهه‌ای
سازمان	ساختار یگان‌ها و فرماندهی (به ویژه نیروی زمینی)
منابع	برنامه‌ریزی چندساله و بودجه دفاعی
یادگیری سازمانی	درس‌آموخته‌های جنگ غزه و دیگر جبهه‌ها
خروجی راهبردی: ارتش چابک‌تر، فناورمحور، آماده جنگ چندجبهه‌ای	

بر همین اساس، الگوی برنامه‌ریزی راهبردی ارتش اسراییل در طرح حوشن، به شکل ذیل قابل ترسیم است.



شکل ۲. الگوی برنامه‌ریزی راهبردی ارتش اسراییل در طرح حوشن

نتیجه‌گیری

برای توضیح اینکه چگونه ارتش اسرائیل از تجربه جنگ‌ها برای تغییر دکترین، ساختار نیرو و فناوری استفاده می‌کند، فهم برنامه ریزی راهبردی آن ضروری است. برنامه ریزی راهبردی ارتش اسراییل بر اساس طرح های چند ساله صورت می پذیرد که به طرح های پنج ساله نیز معروف است. طرح حوشن، جدیدترین طرحی است که ارتش اسراییل برای سالهای ۲۰۲۶ -۲۰۳۰ ارائه داده است. این طرح را می‌توان یکی از مهم‌ترین نمونه‌های برنامه‌ریزی راهبردی مبتنی بر تجربه عملیاتی در ارتش اسرائیل دانست. این طرح تلاش می‌کند با تلفیق درس‌های جنگ‌های اخیر، سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی، فناوری‌های پیشرفته و آمادگی چندجبهه‌ای، توان رزمی ارتش را در افق ۲۰۳۰ بازسازی و تقویت کند. در عین حال، تحقق کامل اهداف آن به عواملی مانند ثبات بودجه، شرایط امنیتی منطقه و استمرار حمایت سیاسی وابسته است. لذا به نظر نمی‌رسد حوشن فقط یک طرح نظامی پنج ساله باشد، بلکه پرونده‌ای باز در مورد سوالات مربوط به نیروی انسانی،

بودجه، ذخایر، کمک‌های آمریکا و توانایی ارتش اسرائیل برای گذار از شوک جنگ به سمت ایجاد یک نیروی پایدار است.

از سوی دیگر، طرح حوشن تلاشی برای بازسازی یک دکترین امنیتی زخمی است. از همین رو، آینده آن تضمین شده نیست و به شدت به دو عامل بستگی دارد: ۱- ثبات سیاسی و مالی داخلی در اسراییل -۲- توانایی رهبری نظامی اسراییل در تبدیل مفاهیم استراتژیک پیچیده به عملیات میدانی مؤثر.

بنابراین، طرح حوشن دارای نقاط ضعف و قوتی است که باید در برنامه ریزی راهبردی ارتش اسراییل برای افق ۲۰۳۰، مد نظر گرفته شود؛ نقاط ضعفی همچون هزینه مالی بسیار بالا، وابستگی به بودجه پایدار و فشار بر نیروی انسانی و ذخیره، و نقاط قوتی همچون انسجام راهبردی، توسعه فناوری و تقویت آمادگی رزمی. بر همین اساس، این طرح احتمالاً در دستیابی به بخش‌هایی از اهداف خود، به ویژه اهدافی که با اجماع سیاسی و نظامی همراه هستند، مانند تأمین امنیت مرزها و توسعه برخی از قابلیت‌های فناوری تهاجمی، موفق خواهد شد. با این حال، اهدافی که نیاز به تغییرات فرهنگی عمیق دارند (مانند بازگرداندن انگیزه افسران) یا اهدافی که به بودجه مداوم و پایدار نیاز دارند، متزلزل خواهند شد. به عبارت دیگر، اصلاحات فوری اجرا خواهد شد، اما بازسازی جامع، مانند ایجاد لشکرهای جدید و تغییر کامل دکترین جنگی، ممکن است با موانع زیادی روبرو گردد. نتیجه، ارتشی قوی‌تر در برخی جنبه‌ها خواهد بود، اما ارتشی که همچنان از مشکلات اساسی ساختاری و پرسنلی خود رنج خواهد برد.

در پایان لازم به ذکر است که طرح‌های مشابه، مانند تنوفا (۲۰۲۰–۲۰۲۵) و معالوت (۲۰۲۳–۲۰۲۸)، در سالهای گذشته بارها به دلیل بحران با وزارت دارایی، تشدید تنش‌های امنیتی یا عدم وجود بودجه دولتی، به نوعی شکست خورده‌اند و طرح حوشن نیز ممکن است دچار همین معضلات گردد. این رویه نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی راهبردی ارتش اسراییل از طریق طرح های چند ساله، دیگر از نظر تعیین برهه زمانی و محدوده ۴ إلی ۵ سال، کارایی لازم را ندارد و محیط راهبردی بیشترین تأثیر را در این راستا دارد.

فهرست منابع

زارعی، محمد(۱۴۰۱)، طرح تنوفا (طرح ارتش اسراییل برای سال های ۲۰۲۰–۲۰۲۵)، تهران: انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.

کرمی، جهانگیر(پاییز ۱۳۷۸)، برنامه¬های جدید ارتش اسراییل، مجله سیاست دفاعی، شماره ۲۸، دانشگاه امام حسین علیه السلام، تهران – ایران.

صفایی، محمد حسین و رستمی، محسن و سعادتمندی، علیرضا (پاییز ۱۴۰۲)، تنوفا و دکترین نظامی رژیم صهیونیستی، فصلنامه علمی مطالعات مدیریت راهبردی دفاع ملی، سال هفتم، شماره ۲۷، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران – ایران.

پورآخوندی، نادر (تابستان ۱۳۹۸)، فرهنگ راهبردی و راهبرد نظامی رژیم صهیونیستی، فصلنامه سیاست خارجی، سال سی و سوم، شماره ۲، وزارت امور خارجه، تهران – ایران.

مسائل منتخب در فصل مشترک بین فرآیندهای برنامه‌ریزی و بودجه‌بندی در ارتش اسرائیل، گزارش سالانه A ۵۷ برای سال ۲۰۰۶، حسابرس کل کشور، اسراییل.

فینکل، مایر (۲۰۲۰)، ستاد کل: چگونه یاد می‌گیرد، برنامه‌ریزی می‌کند و سازماندهی می‌کند، انتشارات مودان، اسراییل.

الرون، زیو (۲۰۲۱/۱۱/۱۶)، نهاد برنامه‌ریزی در ستاد کل تا سال ۱۹۷۳، وب‌سایت ارتش اسرائیل.

هود، الی (۲۰۰۵)، پلیس اسرائیل ۲۰۰۴–۱۹۴۸: تغییرات در ساختار سازمانی، در توزیع مناطق، در گارد مرزی و در پلیس مرزی، اورشلیم: واحد تاریخ پلیس اسرائیل.

طرح جامع برای تغییرات در ساخت نیرو در ارتش اسرائیل (۲۰۲۵/۰۶/۱۱)، وب‌سایت ارتش اسرائیل.

بن کیمون، الیشا و آیچنر، ایتامار (۲۰۲۶/۰۵/۰۳)، در ده‌ها میلیارد: اوشر اسکادران‌های جدیدی از F-35 و F-15I خریداری کرد، یدیعوت آحارانوت، اسراییل.

اشکنازی، آوی (۲۰۲۶/۰۱/۱۲)، ارتش اسرائیل تصمیم مهمی گرفت: "نیروی دریایی به بازوی استراتژیکی تبدیل می‌شود که بمب‌افکن‌ها را تکمیل می‌کند"، معاریو، اسراییل.

ارتش اسرائیل هشدار می‌دهد: کمبود سربازان عادی در سال ۲۰۲۷ به ۱۷ هزار نفر افزایش خواهد یافت (۲۰۲۶/۰۵/۱۷)، کالکالیست، اسراییل.

Krepinevich, Andrew F. (1994), “Cavalry to Computer: The Pattern of Military Revolutions”, The National Interest, No. 37, Fall 1994.

Krepinevich, Andrew F. (1997), Transforming the American Military, Center for Strategic and Budgetary Assessments, Washington .DC, USA.

Bryson, John. M. (2018), Strategic Planning for Public and Nonprofit Organizations: A Guide to Strengthening and Sustaining Organizational Achievement (5th ed.), Wiley.

David, Fred. R. (2020), Strategic Management: A Competitive Advantage Approach, Concepts and Cases (17th ed.), Pearson, England.

خطة "هوشان" – بين الطموحات النظرية والحاجات العملية لترميم العقيدة الامنية لدى العدو (ورقة عمل)، ۲۰۲۶/۰۲/۲۴، مركز الاتحاد للأبحاث والتطوير.

حوشن.. خطة إسرائيل الخمسية لبناء جيش ما بعد ۷ أكتوبر، ۲۰۲۶/۰۶/۲۰، الجزيرة الإخبارية.

سلمان البيضانی، حسن، خطة حوشن وتطوير قدرات الجيش "الإسرائيلی" بعد تجارب حروب الأعوام الثلاثة الأخيرة، ۲۸ يناير ۲۰۲۶، مركز حمورابی للبحوث والدراسات الإستراتيجية، هيئةالحشد الشعبی، بابل – العراق.

الجيش الإسرائيلی يطلق خطة "حوشن" لتعزيز القوة العسكرية والتكنولوجية، ۲۰۲۶/۰۱/۱۲، شبكة يافا الإخبارية.

تقرير: الجيش الإسرائيلی يقدم خطته للسنوات الخمس المقبلة (ترجمة عن معاريف)، مختارات من الصحف العبرية، العدد ۴۸۳۲، ۱۳ يناير ۲۰۲۶، مؤسسة الدراسات الفلسطينية، بيروت – لبنان.

خلف‌الله، أمين، "خطة حوشن".. الجيش الإسرائيلی بين إعادة البناء وأزمة الجنود والمال، ۲۰۲۶/۰۶/۱۸، الجزيرة الإخبارية.